

هنرمند بزرگ ولی انسان

قرار بود اسامی را چکاوک بگذارند. برنامه کلهای ۳۷ بود. آخر برنامه بود که به محمدرضا سرجریان خبر رسید. سردار شده است. شاید اگر برنامه کلهای ۳۷ در دستکاد همایون اجرا نمی شد و شاید اگر پیشنهاده! ساخته نبود. الان همایون سرجریان اسم دیگری داشت ولی رسم دیگری نه!

از همان ۵-۴ سالگی که مدام روی در و دیوار ضرب می گرفت. از همان سالهای اول مدرسه که معلمها را با ضرب گرفتن عاقل روی میز و نیمکت ها کلافه کرده بود. معلوم بود همایون بسری است از جنس هنر! که هنر را نه به زور و اجبار خانواده اش و نه به خاطر اسم و رسم هنری شان. که به خاطر دلش. بی پروا و بر کسب ادامه خواهد داد.

با این که ان اوایل خیلی هم آموزش را جدی نمی گرفت و حتی بعضی وقتها از زنگ کلاس تنگ هم سازه خالی می کرد ولی وقتی در ۱۵ سالگی به پیشنهاد عمویس قرار شد دو سه ماهی. نسبت کار را بیکمزد و تمرین کند تا در اجرای بعدی همراه پدرش باشد. با این که خیلی هم تمرین نکرده بود. ولی روی صحنه ان قدر مسلط بود که تعجب و تحسین همه را به خاطر آرامشی که داشت و هماهنگی اش با گروه برانگیز.

به حاله همایون سرجریان در اساتذ ۲۸ سالگی. با اولین البوم مستقلش به نام "تسیم وصال" می خواهد. در زیر سایه پدرش ولی با الگایه قدم های خودش. کام بردارد.

می گوید. هیچ وقت به تحصیلات آکادمیک در زمینه موسیقی فکر نکرده ام.

می گوید. کجای دنیا می توانم سر کلاسی بنشینم که بزرگترین استاد آواز اصیل ایرانی. محمدرضا سرجریان اسامی باشد.

می گوید. همایون عزیز! لطفاً از خودتان بر ایمان

بگویند: چگونه موسیقی را در یافتید؟ از استادان موسیقی خودتان (روانشاد ناصر فرهنگ فر و دیگران) و بالاخره از نقش پدر و تشویق و ترغیب او بفرمایید.

همایون: با درود و سپاس. ۲۷ سال سن دارم. شش سال است که ازدواج کردم ولی هنوز فرزندی ندارم. از سن چهار سالگی نوعی درک و علاقه ای ابتدایی. توانان به زمزمه های و ضرب آهنگ ها. در من بیدار شد. در ان زمان پدر متوجه علاقه ام شد و برایم تنبکی تهیه کرد و در دسترس قرار داد و از اسناد ناصر فرهنگ فر تقاضا کرد که مسیولیت آموزش تنبک مرا به عهده بگیرند. قصد پدر این بود که استیل کار را درست یاد بگیرم و حتماً هم نزد ایشان شروع کنیم بدین ترتیب استانی من با موسیقی اصیل ایرانی شروع شد و این امر موجب افزایش علاقه ام به این نوع موسیقی شد در ادامه ی کار تنبک را نزد آقای محبی دنبال کردم و هفته ای یک بار در محضر ایشان حاضر می شدم. در همان سن شش-هفت سالگی تمرین آواز را نزد پدرم شروع کردم. او برایم کلاس آوازی گذاشت. کم کم کلاس آوازمان به شکل خانوادگی درآمد و روند کار به شکل جدی تر دنبال کردید. در ان زمان جمله بندی و تکنیک های کار را می آموختم. تا کید پدر همواره به بهتر کار کردن (مخصوصاً روی تکنیک آواز) بود. بعدها در دوران بلوغ که معاصد با تغییرات جسمی و فکری بود (یعنی همان دورانی که پایه ی صدا و حنجره ریخته می شود و تارهای صوتی بغیر شکل می یابند) به تمرین مداوم صدا سازی پرداختیم. پس از پایان دوره ی راهنمایی وارد هنرستان موسیقی شدم و در ان جا ساز کمانچه را در کنار پیانو (که برای همه اجباری بود) به عنوان ساز تخصصی انتخاب کردم. علتش هم این بود که در ان زمان رشته ی تنبک و آواز در هنرستان تدریس نمی شد که بتوانم آواز را انتخاب کنم. در تمام طول هنرستان نزد

اردتسیر کامکار می رفتم. از سال ۷۹ تا به امروز بیس تر آواز را ادامه داده ام و دیگر کمانچه نزده ام.

* جدا از نقش پدر که حتماً تاثیر خاص داشته است دیگر از کدام یک از اساتید آوازی بهره گرفته اید؟ از خوانندگان گذشته بیس تر به کدام علاقمندید؟

همایون: به طور مستقیم تنها با پدر کار کردم ولی در کنار ان بر روی آثار قدما و یا هر کسی که سر سوزن مطلبی داشته باشد سعی می کنم کار کنم. از قدیمی تر ها به صدای قمر و طاهرزاده بیشتر از دیگران علاقمندم و شاید به خاطر مانوس بودن با پدرم باشد که صدایش بیشتر از دیگران به دلم می نشیند و ایشان را الگوی اصلی کار خود قرار داده ام. ایسان و مادرم هر دو افتاب زندگی ام هستند.

* از اولین کنسرت و حضور خودتان بر روی صحنه بفرمایید. تا کتون اکثر آثار پدر بر صحنه حاضر شده اید؟ آیا برنامه ای مستقل را در ذهن دارید؟

همایون: اولین کنسرت با پدر در سال ۱۳۷۰ در آلمان به همراه گروه او اجرا شد که این همکاری سراسر درس و تجربه تا این زمان ادامه داشته است. البته حضورم بر روی صحنه برای آواز امری کاملاً تصادفی و برایم به یادماندنی است. قصد داشتیم مهارت های لازم کسب شود و ان گاه از پدر اجازه ی خواندن بگیرم. چند سال قبل بزرگداشتی در آلمان برای کوتاه برقرار می شد که به علت علاقه ی او به حافظ بزرگ از یکسال قبل قول شرکت در ان شب و اجرای کنسرتی با اشعار حافظ را داده بودیم. با جدیت سرگرم کار و تمرین شدیم که ناگهان چهار روز قبل از مسافرت، پدر شدیداً بیمار شد. به طوری که حتی صحبت کردن برایش غیر ممکن شده بود. ناچار بر خلاف میل باطنی به فکر لغو کنسرت افتادیم ناراحتی پدر در ان زمان به قدری بود که من پیشنهاد اجرای قسمت هایی از کار را دادم:

کوچک مردود است

ان هم بد این آمد که اغلب ملودی‌ها را در ضربین بر اثر شنیدن مداوم از بر سده بودم! و خوش بین بودم که تا روز حرکت و کنسرت حال بدر خوب و یا لا اقل بهتر می‌شود. بدر از این بیسنتهاد من با کمی تشک و تردید استقبال کرد! و آن را بدترت هر چند بد سرعت از کفشی خودم بسیمان سدم و حاضر بودم حرفم را بس بکیرم. بد هر تقدیر

این امر صورت گرفت و کنسرت را اجرا کردیم. بعد از آن بد طور جدی تری کار اواز را دنبال کردم و در کنسرت‌ها همراه بدر می‌خواندم. موسیقی کلاسیک، ناب، جاز، سنی... بد کدامک کوش می‌کنید و لذت می‌برید؟ و کدام را توصیه می‌کنید کوش کنند؟
همایون: بد طور کلی اکثر موسیقی‌های

جهان را کوش می‌کنم. از موسیقی کلاسیک بسیار لذت می‌برم. هر نوع موسیقی بد تنهایی و بدون مقایسه می‌تواند برای مخاطب خودش جذاب و ارزشمند و مناسب باشد. بد کمان من کلام و تلفیق آن با موسیقی و لحن اجرا بسیار مهم است. کهنه یا نو بودن موسیقی و با کلام ساده و با پیچده بودن آن‌ها ملاک نیست بلکه محتوا و پیام آنها است که اهمیت دارد. کلام و تلفیق درست آن با موسیقی مناسب آن کلام و نهایتاً "تنظیم و لحن اجرای آن می‌تواند بسیار منحصر کننده باشد و مخاطبان را از هم تشکیک کند. دقت و سلیقه‌ی من برای کوش کردن و درست دانستن انواع موسیقی (از کلاسیک رانی تا ناب و یا دیگر سبک‌های موسیقی موجود) بر سر همین خصوصیات است.

* منظور سده بد فکر کار مستقل افرادی؟

همایون: دو سه سالی بود که با بدرم صحبت می‌کردیم. کار مستقلی خارج از اناری که عرضه شد و بد صورت همخوانی بود. انجام سده و من هم خوانندگی این را بد عهده بکیرم خیلی سعی سده آهنکسازانی مختلف آمدند. آهنک ساختند. چند کاسنی هم فراهم سده. ولی نهایتاً بد بچه نرسیدیم. حد از نظر سلفه‌ای و حد از نظر مسائل دیگرش!

آقای محمد جواد ضرابیان چند کار آماده و چند تعریف ضبط سده دانستند. چند تا کار هم بد این‌ها اضافه شد و انکزه‌ای سده تا این کار شکل بکیرد.

* سنده ام بیستر غسبت‌های نوآر یا تعریف بر سده است؟

همایون: فرم تعریف‌ها طوری بود که ربطی بد هم مشکل بود. تصمیم گرفتیم کار را فقط بد صورت تعریف. عرضه کنیم اما بعد توانستیم کار را کمی جا بد جا کنیم و اواز هم لابلائی تعریف‌ها بکنجانیم.

* نوآر را تعریف کن؟





شروع می شود. با یک ساز و آواز همایون ادامه پیدا می کند و آقای شهرام میرجلالی که از نوازندگان چیره دست تار هستند، آواز را همراهی می کنند و بعد با یک تصنیف همایون هم خاتمه پیدا می کند. روی ب نوار هم با پنج تصنیف در دستگاههای شور و نوا پر شده است.

*** این انتخاب ها تعمدی بود؟**

همایون: می خواستم فرم خاصی را تجربه کنم، یک طرف به شیوه سنتی، یک طرف هم فقط تصنیف

*** پدرت در اولین کار مستقل چطور همراهی ات کرد؟**

همایون: اول نوار را با جسارت ضبط کردم و آنها را خواندم. چون وقتی صحبت های نهایی با آقای ضرابیان انجام شد، پدر در ایران نبود. به هر حال خواندم و کار را جمع کردیم. در واقع می خواستم خودم را محک بزنم. وقتی پدر از کانادا برگشت، کار را پیش او بردم و گفتم: من این کار را انجام داده ام، گوش کنید تا اگر ایرادی دارد آن را بر طرف کنم.

*** پدرت از کارت هم ایراد گرفت؟**

همایون: پدر کار را گوش کرد و ایرادی که گرفت دو سه جای راجع به صدایش بود که از نظر میکس ایراد داشت و گفت: فواصل آواز اگر کوتاه تر و منسجم تر باشد کار قشنگ تر است و آواز پخته تر می شود.

*** ناراحت هم شدی؟**

همایون: خوشحال هم شدم که پدرم ایراد دیگری از کار من نگرفت.

*** وجود یک پدر هنرمند، در همان مسیر قدم برداشتن؟**

همایون: یک بخش آن وجود پدری است که هنرمند است و با مسایل هنری درگیر است، در رابطه خانوادگی اش هم موثر است. در روابط پدر و فرزند دیدگاه هایی که دارد، تاثیر می گذارد. بخش دیگران وجهه اجتماعی است. هر جا که رفتم مردم و دوستان به من اظهار لطف کردند و موفقیت پدر همیشه موجب سربلندی من بوده است. بخش دیگر کار هم از جنبه هنری اش است. همیشه استادی بالای سرم بوده که مرا راهنمایی کند و درست راهنمایی کند.

*** بالطبع وجود پدر هنرمند، کار را سخت هم می کند.**

همایون: توقعاتی که پیش می آید کار را مشکل تر می کند. این مردم همان توقعی را که از یک هنرمند دارند، از خانواده ی آن هنرمند هم دارند. به خصوص اگر آن هنرمند فرزندی داشته باشد و آن فرزند هم بخواهد در همان رشته هنری، اولین کار را شروع کند، همه توقع دارند کار بی عیب و نقص باشد.

*** شاید این توقع، باعث بهتر شدن اثر شود.**
همایون: از یک طرف دوست دارم کارم بی عیب و نقص باشد و از طرفی عقیده دارم آدم هر آنچه هست باشد. وقتی واقعا^۳ نقصی در کار وجود دارد، سعی در پوشاندن و پنهان کردنش نداشته باشم. اگر هم در کار نقصی هست که نشان دهنده توانایی الان من است، به آن دست نزنم و بگذارم کار حاصل تلاش و توانایی خودم باشد.

*** چرا برای اولین آلبوم مستقل، از استادانی مثل استاد علیزاده استفاده نکردید؟**

همایون: قصد خاصی نداشتم، در آلبوم باشخص خاصی کار کنم اگر چه خیلی به آقای ضرابیان ارادت دارم. جزو هنرمندان شریف هستند و ملودی های زیبایی هم ساخته اند. هیچ وقت هم نخواستم سو

استفاده کنم. و مثلاً بگویم: چون استاد عزیز زاده با پدرم کار می کند، من هم با استاد عزیز زاده کار کنم. هیچ وقت چنین دیدی نداشتیم. آقای عزیز زاده خودش باید کار من را قبول داشته باشند و مرا در حدی بدانند که بخواهند با من کار کنند. اگر چه من خیلی کار کردن با استاد عزیز زاده را دوست دارم و خیلی دلم می خواست کار اولم با ایشان باشد، چنین جسارتی نمی کنم که خودم را به استاد های موسیقی تحمیل کنم.

*** ادامه کار مشترک با پدر تا کی و کجا؟**

همایون: همخوانی ها صد در صد ادامه خواهد داشت. چون این کار جزو عشق های من است. از طرف دیگر، خودم را در حدی نمی بینم که بخواهم، از همین الان سنت شکنی کنم و فقط به توانایی های خودم تکیه کنم. دلم می خواهد آهسته و پیوسته پیش بروم.

*** تو هم قصد داری با تلویزیون همکاری کنی؟**

همایون: در حال حاضر با تلویزیون همکاری نمی کنم، فقط آهنگی بوده به نام "دشت" که در سال ۷۴ آن را ساختم و ۶-۵ ماهی بود که تلویزیون می رفتم و بعد بیرون آمدم و نشد آن آهنگ را ضبط کنم. بعد هم این کار "دشت" را آقای یوسف زمانی تنظیم کرد و من آن را خواندم. از من پرسیدند: باز هم با ما همکاری می کنی؟

گفتم: نه!

*** چرا؟**

همایون: در ادامه همان سیاست های پدرم قبول نکردم. با این که ممکن است، همکاری با صدا و سیما برای من خیلی مفید باشد. برای من که تازه می خواهم شروع کنم، فعلاً همکاری نمی کنم. در آینده هم نمی دانم چه پیش می آید.

*** به کنسرت هم فکر می کنی؟**

همایون: در فکرش هستم، وقتی آقای ضرابیان از کانادا برگشت، آلبوم "نسیم وصل" را برای کنسرت آماده می کنیم ولی این کار باز هم منوط با این است که پدر اجازه اش را بدهد.

*** و اگر اجازه ندهد...؟**

همایون: پدرم بهتر از من موقعیت ها را درک می کند و راهنمایی هایی می کند و نتایجی می گیرد که من هنوز به آن نتایج نرسیده ام. اگر قانع شوم، کنسرت نخواهم داد.

*** دلیل این که چند سالی است شجریان در ایران کنسرت برگزار نمی کند را می دانی؟**

همایون: محمد رضا شجریان افکاری دارد، شخصیتی دارد، دیدگاهی دارد و جایگاهی. اینها باعث می شود در ایران کنسرت برگزار نکند و از رادیو، تلویزیون بخواهد صدایش را پخش نکنند. مسایل اجتماعی را دقیق می بیند و تحلیل می کند و اجازه نمی دهد که با اسم او بازی شود.

*** اینها باعث نمی شود، صدای شجریان از زندگی روزمره مردم فاصله بگیرد؟**

همایون: هر هنرمندی دوست دارد در دل مردم باشد، چه از طریق کنسرت، چه از طریق رادیو و تلویزیون، ولی وقتی که مجبور شوی چیزهایی را که به آن اعتقاد داری و برایت مهم است، بیازی در مقابل این همه شهرت و همواره دیده بشوی، این چیزها را قبول ندارم. اگر چه شهرت را هم قبول ندارم. دنبال لرزش هستم و دوست دارم کاری را انجام بدهم که دلم می خواهد. با این حال ممکن است، من هم مجبور بشوم رویه پدرم را در پی بگیرم.

*** چرا استاد شجریان درباره این علت ها هیچ صحبتی نمی نند؟**

همایون: پدرم بارها از این علت ها صحبت کرده اند و ولی نمی شود همه مسایل را گفت و ریز جزئیات را توضیح داد. البته مردم متوجه می شوند و می دانند روندی در کار هست که نمی گذرد هنرمندی مثل محمد رضا شجریان به مردم نزدیک شود.

*** بعضیها معتقدند موسیقی سنتی به خصوص**

آواز تغییر کند، حتی باید جهشی داشته باشد تا کنار گذاشته نشود. این حرف را قبول دارید؟ و اگر بله، می خواهید عامل این تغییر باشید، چگونه؟ همایون: قبل از هر چیز معتقدم باید احاطه کاملی به موسیقی پیدا کنم. سنت ها را بشناسم، ردیف ها را، گوشه ها را، تکنیک ها و سبک ها را بشناسم که این قسمتی از کار است. بله، معتقدم صد در صد باید نوآوری کرد. ولی نوآوری که همراه با شناختی عمیق و تجربه ای بالا باشد. که کار هر کسی نیست.

*** در ردیف ها و گوشه ها محمد رضا شجریان**

، کار آواز را حد اعلی رسانده است. آیا چنین جراتی را در خودت می بینی که خارج از ضوابط و چارچوب های آواز، دست به نوآوری بزنی؟

همایون: برای من هیچ مرزی وجود ندارد. صد در صد دست به خلاقیت خواهم زد. ولی جمله زیبارا در هم نمی ریزم تا جمله دست و پا شکسته ای را به جایش به کار گیرم. باید آنقدر توانایی داشته باشم جمله

ای زیباتر بیافرینم. با این حال، بحث پیچیده ای است. نوآوری در ریتم، لحن، انتخاب شعر نمی شود به این سادگی ها از نوآوری و خلاقیت حرف زد. الان با آقای دکتر اردشیر کامکار انجام می دهیم که از نظر ترکیب، ارکستر اسیون و حال و هوا الان خواسته کار نویی باشد و به حال و هوای جوانهای امروز نزدیکتر باشد حالا موفق می شویم یا نه؟ بحث دیگری است.

*** نمی ترسی از اینکه موفق نشوی؟**

همایون: اگر آدم دست پر باشد، حتما کارش هم همراه با نوآوری است. کار خوب هم که در حد سلیقه مردم باشد و در حد شعور مردم باشد راه خودش را میان مردم باز می کند. حالا کم و زیادش، دیرو زودش معلوم نیست.

*** چه باید کرد تا اسیر تکرار نشد؟**

همایون: انسان باید خودش را بشکند، تا گرفتار تکرار نشود. من هیچ وقت خودم را اسیر چارچوب ها نکرده ام. ممکن است این یک نوع نقص باشد ولی دست "نوق" و "فکر" را باز گذاشته ام. معتقدم برای نوآوری علاوه بر شناخت موقعیت تاریخی و اجتماعی جامعه ای که در آن زندگی می کنیم و با تکیه بر توانایی هایمان از آن قالبی که ذهنیت ما را اسیر کرده است، بیرون بیاییم، و چه قدر سخت است. آن هم در جامعه ای که بیشتر روابط و ضوابطش دچار چارچوب ها است و خیلی ها هنوز به این قالب ها پایبندند.

*** به خاطر همین باید از نوآوری ترسید!**

همایون من چون رگ خراسانی دارم، با سیاست پیش خواهم رفت. هر تغییری هر چه قدر هم که بزرگ باشد، اگر تدریجی صورت بگیرد، قابل قبول تر است.

*** در مورد خودت، این نوآوری تا کجا اتفاق افتاده است؟**

همایون: خودم در خانواده ای بزرگ شدم که پدرم هنرمند سرشناسی است. با این وصف یک جور می توانم خودم را بسازم. ولی زمانی می توانم توانایی واقعی ام را به محک بگذارم که به خودم بگویم: همه اینها به کنار و خودم را کشف کنم تا ببینم چطور و تا کجا می توانم کار کنم.

*** آیا توانایی آن را داری که عده ای از جوانهای نخبه را در زمینه موسیقی شناسایی و گروه جدید و توانمندی را مطرح کنی؟**

شروین در کمانچه، مثل سینا جان آبادی، مثل کامبیز گنجه‌ای در تنبک که عاشق کارش هستم. مثل دوستان جوان دیگرم!

* رابطه موسیقی سنتی که حاصل لحظه‌های تأمل است، با زمانه‌ای که همه موقوع دویدن به یکدیگر تنه می‌زنند، چه جور رابطه‌ای است؟

همایون: چون ریتم زمانه تند شده، ریتم موسیقی سنتی هم تند شده، دیگر آن طمانینه در ساز و آواز وجود ندارد. در موسیقی ریتم خیلی مهم است که می‌بینید تندترو شتاب زده‌تر شده است. در عین حال می‌شود کارهای بیشتر و بهتری انجام داد. حتی می‌شود کارهای ارکستری انجام داد. یکی از ایده‌های پدرم این است که حتی آواز را با ارکستر اجرا کنند. یک بخشی با این فرم‌ها جبراً نمی‌شود. فقط آن آدمهایی که باید از ذوق و تخصص شان استفاده شود، باید دور هم جمع شوند و ابزار کار فراهم باشد، که متأسفانه در زمانه ما چنین امکانی وجود ندارد. ولی همه هنرمندان در پی پر کردن این فاصله برآمدند و به آن فکر می‌کنند.

* استفاده از شعر نو در آواز و تصنیف هم یکی از راهکارهایی است که می‌خواهید، موسیقی سنتی را مطابق زمانه پیش ببرد.

همایون: استفاده از شعر نو در آواز خیلی خوب می‌نشیند. چون دست خواننده در جمله بندی‌ها باز است. شعر نو حتی از غزل هم برای آواز مناسب‌تر است. فقط باید فرم آواز تغییر کند.

* ولی تصنیف ساختن با شعر نو خیلی مشکل است با این حال می‌بینید تصنیف‌های خوبی با شعر نو ساخته شده است

همایون: بهترین نوع کار، وقتی بود که آهنگساز و شاعرو خواننده با هم اثری را می‌ساختند. حس هم را خوب درک می‌کردند، روحیات همدیگر را می‌شناختند و با هم زندگی می‌کردند. اجزای کار با هم چفت و بست پیدا می‌کرد. خیلی وقتها دوستانم آهنگی را ساخته‌اند که بسیار زیباست. ولی شعر در دل این آهنگ نمی‌نشیند. تحریرها با حال و هوای شعر جور نیست.

* به موسیقی‌های دیگر هم مثل پاپ علاقمندی؟

همایون: شاید ۲۰ تا ۳۰ درصد سلیقه جوانان موسیقی سنتی است و ۷۰ تا ۸۰ درصد به سمت موسیقی‌های دیگر کشش دارند، ولی من ۸۰ درصد



شجریان با همایون، تهران

جوانهای همدل و همصدا را تشکیل بدهیم، که در کنار هم کار ارزشمندی را ارائه می‌کنند. الان هستند جوانانی که در تک‌نوازی و گروه‌نوازی می‌توانند یک اتفاق در موسیقی سنتی باشند.

* مثل چه کسانی؟

همایون: مثل ارژنگ سیفی‌زاده در تار که کارهای استاد لطفی را دانه‌به‌دانه، مضراب‌به‌مضراب با همان جنس صدا، با همان حس و با همان انس می‌زند. مثل

همایون: من به دلیل موقعیتی که به ارث برده‌ام، با استادان بزرگ موسیقی بوده‌ام، با آنها روی صحنه رفتم، کنسرت داده‌ام و یک جوری با استادان موسیقی بزرگ شده‌ام. ولی این دلیل نمی‌شود در حد آنها باشم. الان هستند جوانانی که از نظر توانایی و تجربه از من جلوترند. هیچ وقت فکر نکرده‌ام من دست جوان هنرمندی را بگیرم. به این فکر می‌کنم که من و او می‌توانیم در کنار همدیگر گروهی از

شیفته موسیقی سنتی هستم و ۲۰ درصد به موسیقی های دیگر گوش می دهم. آن بخشی از کار را که واقعا مطابق با سلیقه من باشد، یعنی شعر عمیقی داشته باشد یا مفهوم های بلند و غیر دسترس، و تلفیق شعرو لحن و موسیقی تصنعی و از سراتفاق نباشد.

* در گوش کردن به موسیقی تعصب هم داری؟ به این معنی که وقتی با نوعی از موسیقی موافق نیستی، از دیگران هم بخواهی که آن را گوش ندهند؟

همایون: نه، اتفاقا یک بار سوار ماشین دوستم شدم. یک نوار رو حوضی گذاشته بود و گوش می کرد گفت: اذیت نمی شوی؟ گفتم: نه! قره نی بود و تنبک و خواننده هم بدون قافیه از درو دیوار می گفت وقتی نوار تمام شد به دوستم گفتم: از همین نوار رو حوضی هم می شود، خیلی چیزها یاد گرفت. مثل اینکه چهل سال پیش، دغدغه مردم کوچه و بازار چه بوده؟ دنیایشان را چگونه تعریف می کردند؟ این کار هم برای خودش تعریفی است. ولی اگر بخواهم ارزش گذاری کنم، موسیقی اصیل ایرانی را به هر نوع موسیقی ترجیح می دهم.

* چرا؟

همایون: چون به ذات آدم ها نزدیک تر است و آدم را به اندیشه فرو می برد.

* موسیقی تلفیقی را چه طور می بینی؟ در کنار هم نشستن ساز سنتی و ساز غربی؟ مثل اینکه خیلی هم مورد استقبال قرار گرفته است.

همایون: از دیدی که من نگاه می کنم، موسیقی تلفیقی خیلی نمی تواند نیازهای روحی مرا برآورده کند درست است که تازگی دارد و با دلیل نو بودنش مورد توجه هم قرار می گیرد. ولی من این طوری نگاه نمی کنم که بعد از شنیدن این موسیقی چه حس و حالی برایم باقی ماند و حاصل این ترکیب مرا به فکر و امی دارد یا نه؟ البته این دید من است ولی نظر بدون تعصبی دارم و به این نوع موسیقی ها گوش می کنم و بعضی وقت ها لذت هم می برم. ولی تاثیر ماندگاری در من نمی گذرد.

* آواز را ترجیح می دهی یا تنبک؟

همایون: آواز را بیشتر دوست دارم. تنبک همیشه برای من در حاشیه بوده است. همان نیرویی را روی تنبک می گذارم که همیشه گذاشته ام.

انرژی اضافه ای را صرف تنبک نکرده ام. ولی آواز را به صورت جدی تر از ده سالگی دنبال کرده ام و می کنم. در آواز، تلاش و زحمت بیشتری به خرج داده ام. به خاطر همین برایم جدی تر است.

* اوقات فراغت را چگونه سپری می کنید؟

همایون: اکثر اوقات فراغت خودم را با موسیقی و کتاب و یا فیلم و برنامه های منظم فوتبال پر می کنم * اشتغال تان به موسیقی صرفا " حرفه ایست و آیا از این طریق زندگی شما می گذرد یا با کوشش های جانبی امورات خودتان را می گذرانید؟

همایون: در حال حاضر در شرکت دل آواز مدیر هستم و مسیوولیت کار را دو سالی است که به عهده گرفته ام. البته این امر مرا از کار تمرین موسیقی دور می کند که در آینده باید برای آن فکری کنم. ولی برنامه دارم که کارهای شرکت را تکمیل کنم هر چند فکرها و ایده هایی که برای کارهای اجرا شده و نشده می پدرم دارم (با توجه به حجم بسیار زیاد آثار خصوصی و عرضه نشده ها) بسیار است و برای عملی کردن آن باید یک عمر وقت صرف شود.

* به اعتقاد بسیاری و از جمله استاد شما زنده یاد ناصر فرهنگ فر، جامعه قدر هنرمندان را آن گونه که باید نمی شناسد، و بر آن ها ارج نمی گذارد. گلایه بدان جا که او مضمون شعر:

آن چنان بار کثورت به دلم جمع شده است
که اگر پایم از این بیج و خم آید بیرون
لنگ لنگان در دروازه ی هستی گیرم

نگذارم که کسی، از عدم آید بیرون
را با تغییر در مصرع آخر بدین گونه عنوان می کند:
لنگ لنگان در دروازه ی هستی گیرم

نگذارم که کسی، "ضرب زدن" آید بیرون!
که این اشاره به قدر ناشناسی از اهل هنر دارد.
حالا که شما در این راه گام برداشته اید، چه احساسی دارید و در زمینه ی کار خودتان نوآوری را جایز می دانید؟

همایون: در ارتباط با موسیقی و آینده ی آن و بحث نوآوری که امروز بیش از پیش از هنرمندان به خصوص جوانان انتظار می رود، با احترام و اجازة ی پیشکسوتان و دلسوختگان آگاه عرض می کنم که برای موسیقی ایران و اشاعه ی آن چه کارها نمی توان کرد. "درون ها تیره شد باشد که از غیب چراغی بر کند خلوت نشینی" وضعیت کنونی وضعیت مکاره ای

است. اگر از دست رنج و تلاش تعداد انگشت شماری از موسیقیدانان دلسوخته و آگاه بگذریم، ده ها تیترو عنوان بر سر در ساختمان های دولتی و خصوصی به چشم می خورد، اما دریغ از حاصلی، دست آوردی، تحولی، طرحی. همه فریاد می زنند: از حقایق نباید استفاده ی ابزاری شد اما از موسیقی، این حقیقت ازلی، فقط استفاده ی ابزاری می کنند! ای کاش بهره ای را برای خود موسیقی در نظر بگیرند. نه حرمتی نه حریمی و نه نگاه دلسوزانه ای. در این وضعیت بحث نوآوری که بر عهده ی هنرمندان آگاه است بحث بسیار حساس و در حقیقت چالش اصلی موسیقی در این روزگار شده است که باید در چارچوب سنت و مدرنیته به آن نگاه کرد. هر چند در هر دو راه هدف و منظور عشق است و یکی ست و به یک جا ختم می شود. بدیهی است که اگر هر سنتی دچار ایستایی، رکود، توقف و کرحتی شود از قافله ی ایام باز می ماند و به کهنگی می گراید. سنت ها باید به تعبیر مولوی "نو" به نو تازه شوند و در ضمن حفظ ریشه ها، شاخ و برگ تازه بزنند. عقب ماندگی تنها فرآیند تعصب متصلبانه است. چه نظام های سیاسی که روزی کارآمدی و تاثیر گذاری جهانی داشته اند اما پس از طی روزگار و نونشدن سازها و کارهای آن تبدیل به مجموعه ی ضد عقل، اندیشه و بشر شدند. در موسیقی هم چنین است و از این قاعده ی کلی مستثنی نیست. باید ریشه ها و بنیادهای اساسی و آغازین را حفظ کرد؛ اما در بستر آن ریشه های پویان برگ و باری تازه به ارمغان آورد. این نوآوری لازمه اش دانایی، تجربه، شناخت عمیق، ذوق و صداقت و دلسوزی در حد اعلای آن است. به بهانه ی نوآوری هم نمی شود همه ی هنجارها را شکست و آن چه را که میراث موسیقی چند صد ساله ی ماست به باد داد و اسمش را نوآوری گذاشت. نوآوری اهلیت، صداقت و صلاحیت می خواهد. کاری بدین بزرگی تنها از بزرگان بر می آید.

* و بالاخره برای هنرمند بودن چه شرایطی را می شناسید؟

همایون: در خاتمه باید بگویم انسان بودن برایم بسیار مهم تر از هنرمند بودن است. هنرمندی بزرگ ولی انسانی کوچک مردود است. بزرگ ترین هدف و افتخارم این خواهد بود تا در زیر سایه اش به هنر پیرنارم * با سپاس فراوان برای فرصتی که به ما دادید و با آرزوی توفیق روز افزون شما.